

## واکاوی مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

**فرشید خانجانیان**

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**نادرقلی قورچیان<sup>۱</sup>**

استاد، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**کامران محمدخانی**

دانشیار، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**پریوش جعفری**

دانشیار، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده:

پذیرش تفکر پیچیده و خلاق برای نشان دادن دانش از چند منظر در پرورش خرد در نظام آموزش عالی موثر است که زمینه ارتقای خرد پداگوژیکی را فراهم می آورد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی انجام گرفته است. مطالعه ی پیش رو با بهره گیری از رویکرد کیفی و اتکا بر راهبرد نظریه ی داده بنیاد استراوس و کوربین (۲۰۰۷) و بکارگیری اسلوب کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم افزار Maxqda برای تجزیه و تحلیل داده ها، به تدوین و ترسیم مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی ایران پرداخته است. داده های پژوهش از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته با ۱۶ نفر از سیاستگذاران و مدیران فعلی و اسبق آموزش عالی دارای تجارب زیسته ی مرتبط و بهره جویی از شیوه ی نمونه گیری هدفمند نظری و گلوله برفی (زنجیره ای) تا دستیابی به نقطه ی اشباع نظری گردآوری گردیده است. یافته های پژوهش به تدوین مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی ایران بر مبنای نظریه پردازی داده بنیاد شامل ۶ مقوله، ۳۸ مفهوم و ۱۸۰ کد منجر گردید.

**واژگان کلیدی:** خرد پداگوژیکی، پداگوژی، آموزش عالی، خرد.

---

## Analysis a Model for Promoting Pedagogical Wisdom in Iranian Higher Education

---

### **Farshid Khanjanian**

Phd Student, Department of Higher Education Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Nadergholi Ghourchian<sup>1</sup>**

Professor, Department of Higher Education Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Kamran Mohammadkhani**

Associate professor, Department of Higher Education Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Parivash Jafaari**

Associate professor, Department of Higher Education Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract:**

Acceptance of complex and creative thinking to demonstrate knowledge from several perspectives is effective in cultivating wisdom in higher education, which provides the basis for the promotion of pedagogical wisdom. The present study aimed to design a model for Promoting Pedagogical Wisdom in Higher Education. The research method is qualitative and based on Grounded Theory. Semi-structured interviews were used to collect data and data analysis was performed by Strauss and Corbin method(2007) and paradigm model. Sampling was done in a theoretical way using targeted (judgmental) and snowball (chain) techniques, based on which 1۶ interviews were conducted with experts in the field of educational management and current and former directors of higher education. The results of analyzing the data obtained from the interviews during the open, axial and selective coding process and using Maxqda software to create a model for Promoting Pedagogical Wisdom in Higher Education based on the Grounded Theory of the foundation including 6 main dimensions, ۳۸ sub-dimensions and 1۸۰ conceptual characteristics led.

**Keywords:** Pedagogical Wisdom, Pedagogy, Higher Education, Wisdom.

---

<sup>1</sup> Corresponding author: Naghourchian@gmail.com

## مقدمه

وظیفه‌ی انسان‌ها تبدیل‌شدن به ربات‌های آموزش‌دیده یا کنترل‌گران بسیار ماهر دنیای فیزیکی نیست، بلکه تبدیل‌شدن به کنشگران در حال رشد، کاوشگر و خود ارتقابخش تکامل روح است. اگر می‌خواهیم فراتر از مقاومت ذاتی خود در برابر خود متحول‌سازی باشیم، به جای تکبر فناورانه باید شگفتی‌بنیادی را پرورش دهیم. این وظیفه‌ی آموزش عالی در عصر ما است (Gidely, 2021). استفاده از هوش و تجربه به عنوان میانجی ارزشها در جهت دستیابی به یک دستاورد مشترک توصیفی از خرد می‌باشد (Glück, 2017). یان سینوت، خرد را به عنوان ویژگی پیچیده و تلفیقی از اندیشه تلقی می‌کند و آن را صریحا با معنویت و خلاقیت پیوند می‌دهد. مفهوم خرد در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها چهره‌ی متفاوت اما معانی مشابهی دارد و دارای ویژگی‌های جهانی در ورای تنوع آن است. برای مثال، خرد به عنوان دانش فرد متخصص در زمینه‌ی فلسفه‌ی اصلی واقع‌بینی در زندگی، دانش‌گرایی در مورد مسائل صحیح یک زندگی مطلوب، بینش و ادراک بسیار دقیق در باره‌ی خود و مسائل اصلی مربوط به هستی زندگی، به همراه پاسخ‌ها ماهرانه و خیرخواهانه و خودتعالی توصیف شده است. بر اساس تحقیقات قبلی Klinton (۲۰۱۱)، خرد را به عنوان ترکیبی از خصوصیات شخصیتی شناختی، تاملی و دلسوزانه توصیف می‌کنیم. بعد شناختی خرد تمایل شخص خردمند به ادراک عمیق حقیقت و جنبه‌های درون فردی و بین فردی در زندگی را توصیف می‌کند که پذیرش حد‌نهایی دانش، جنبه‌های مثبت و منفی ذات انسان و غیرقابل پیش‌بینی بودن و عدم قطعیت زندگی را شامل می‌شود. بعد تاملی خرد به توانایی شخص خردمند در شناخت و ادراک پدیده‌ها و وقایع از جنبه‌های مختلف و جلوگیری از ذهنیت و پیشگویی اشاره دارد که این امر مستلزم خودارزیابی، خودآگاهی و خویش‌نگری و

خودمحوری تقلیل یافته است. خودمحوری تقلیل یافته به نوبه‌ی خود موجب ادراک بیشتر از زندگی به طور کل و افراد دیگر به طور خاص شود که این امر نیز موجب سعه‌ی صدر بیشتر و عشق و محبت دلسوزانه و مشفقانه نسبت به دیگران می‌شود که بعد دلسوزانه‌ی خرد را نشان می‌دهد. همچنین خود‌اندیشی، عنصری اساسی در رشد خرد تلقی می‌شود (Weststrate et al, 2018). نظریه‌های خاصی در مورد پرورش خرد در مدیریت آموزش عالی وجود دارد. نظریه‌هایی که بر خلاقیت و پیچیدگی (Davis, 2014) تأکید دارند و پرورش خرد را نیز تسهیل می‌کنند. حالت‌های یادگیری متعددی را می‌توان به عنوان گام‌هایی به سوی خرد از طریق تعامل با هوش‌های چندگانه جستجو کرد. روانشناسان رشد ادعا می‌کنند که پیچیدگی، رویکردهای چندگانه، خلاقیت، تفکر دیالکتیکی، نسبی‌گرایی، خودبازتابی، توانایی مقابله با عدم اطمینان، زمینه‌گرایی و مسئله‌یابی، همه با خرد، مرتبط بوده‌اند. به تدریج، شیوه‌های سنتی جای خود را به رویکردهای جدیدی داده‌اند که خودمحور بوده و شامل یادگیری فعال، پردازش فعال اطلاعات، فناوری و برنامه‌های دنیای واقعی با الگوبرداری از تمرینات حرفه‌ای است (Fuertes-Camacho, 2019). تحولات اخیر خرد‌پداگوژیکی شامل تأکید بیشتر بر صدای دانشجو به عنوان شریک و ارائه‌دهندگان آموزش عالی است که به دنبال روش‌هایی برای برجسته کردن تمایز خود در یک محیط رقابتی هستند (Matthews, 2021). در نتیجه آموزش و تربیت مناسب برای آینده‌ی پیچیده، نیاز به توسعه‌ی قضاوت دارد که آن را خرد‌پداگوژیکی می‌نامند. لذا خرد‌پداگوژیکی یک مفهوم مبتنی بر فضیلت تدریس و آموزش با تمرکز بر خرد آموزشی و روش‌هایی است که می‌تواند به استادان و دانشجویان کمک کند تا به افراد خردمندگرا تبدیل شوند. پس پذیرش تفکر پیچیده و خلاق برای نشان دادن دانش از چند منظر در پرورش خرد

در آموزش عالی موثر است که زمینه ارتقای خرد پداگوژیکی را فراهم می آورد (Biesta, 2014). یکی از دغدغه های اصلی نظام آموزش عالی کشور به ثمر رسیدن اهداف و رسالت های تعلیم و تربیت عملی (پداگوژی) در محصول و خروجی فرآیند سیستم دانشگاهها یعنی کیفیت دانشجویان در جامعه می باشد. با ارائه ی مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و همچنین گنجاندن محتوای آموزشی مرتبط با مفهوم خرد پداگوژیکی در برنامه های درسی در راستای ادراک عمیق و حرفه ای به دانشجویان، مدیران و رهبران آموزش عالی یاری رساند و مبنای عملی را برای تحقق اهداف نظام آموزش عالی در توسعه ی شناخت، تعالی افکار و شخصیت دانشجویان فراهم سازد. لذا باتوجه به مباحث مرتبط با خرد پداگوژیکی، هدف این پژوهش توسعه ی شناخت، رسیدن به تعالی فکری و ارتقای رشد حرفه ای خرد پداگوژیک در آموزش عالی است. همچنین تاکنون پژوهش قابل اعتنایی در کشور که به بررسی ماهیت خرد پداگوژیکی پرداخته باشد، صورت نگرفته است و این تحقیق اولین پژوهش در باب شناخت و تبیین مفهوم خرد پداگوژیکی در جامعه ی مورد نظر می باشد. لازم به توضیح است خرد پداگوژیکی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در حیطه ی آینده پژوهی آموزش عالی به عنوان جنبه ی نوآورانه ی رویکردها و سناریوهای رهبری و مدیریت دانشگاهی و فلسفه ی آموزش عالی مطرح می شود. آینده پژوهی قدرتی جادویی برای پیش بینی نیست بلکه سامانه معرفتی و اجتماعی موثق و معتبری است که با تفکر انتقادی و خردورزی جمعی و با توسل به مطالعات و تأملات سامان مند و اعتباریابی شده، درک خود را نسبت به آینده و تغییرات پیش روی خودمان و محیط پیرامونی ارتقا می بخشد. با توجه به این توضیحات و توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در رابطه با تبیین و ارائه مدلی برای ارتقای خرد پداگوژیکی در آموزش عالی انجام نشده است، این پژوهش قصد دارد به تدوین الگوی ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی بپردازد.

### مبانی نظری

پداگوژی، چارچوبی مفهومی است که هدایتگر فعالیت استادان است. گیدلی (۲۰۱۶)، پداگوژی دانشگاهی را سازماندهی و عملیاتی کردن موقعیت های تدریس یادگیری در دانشگاه می داند. پداگوژی به معنای هدایت کردن فرد و به عنوان هنر و علم تدریس شناخته می شود. اینکه چه چیزی باید یاد گرفته شود، چگونه یاد گرفته شود، چه موقع باید یاد گرفته شود، و اینکه به کمک استاد یاد گرفته شوند و استاد نسبت به آن باید پاسخگو باشد به عنوان تکنیک های پداگوژی برای انتقال موثر محتوا استفاده شده است (Clinton, 2011). تحولات در حوزه ی تعلیم و تربیت و حضور رویکردهای یادگیرنده محور و یادگیری محور، تاکید بر نقش تسهیل گری استادان و همچنین توسعه ی پداگوژی به آموزش عالی، منجر به باز تعریف پداگوژی شده است و فهم پداگوژی محدود به تربیت کودک نیست بلکه به عنوان مفهومی اساسی برای آموزشگری در دوره های تحصیلی دانشگاهی تلقی می شود. گرین و رید (۲۰۰۷) پداگوژی را یک مفهوم چند بعدی حاصل پیوند عناصر هنر و علم، نظر و عمل می دانند. خرد از تفکر محض متمایز است. ممکن است خرد را به عنوان قدرت ذهن برای قدرانی از بینش های قلب در نظر گرفت. این مولفه ها به عنوان توانایی برای گوش دادن و همزادپنداری هستند. استرنبرگ بر اساس نظریه ی تعادل خود قبلا به بحث در مورد توسعه ی شانزده اصل برای آموزش خرد پرداخته است که بطور کلی شامل خرد مدل سازی نقش، تشویق برای تفکر، نقد و ادغام ارزش های آن ها، تفکر از طریق گفتگو و دیالکتیک و جلوگیری از خود بزرگ بینی است (Häkkinen, 2020). آموزش عالی به عنوان یک عمل خلاق در جستجوی خلقت که مفهوم جدیدی را به ارمغان می آورد شناخته می شود. با ایجاد پیوند موردنظر استرنبرگ و سینات طی مطالعات انجام شده در بین خرد، خلاقیت، پیچیدگی و توانایی به دیدگاه های چندگانه، موضوع خرد پداگوژیکی گسترده تر شده است. به علاوه

آموزشی قلمرو پیچیده‌ای است و بدیهی است که تکامل اشکال آموزش عالی که به‌طور اصیل پسا‌صوری هستند، موضوع پیش‌پاافتاده‌ای نیست. تنها راهی که آموزشگران دوراندیش و نوآور می‌توانند انرژی کافی برای اعمال این نوع فراتغییر موردنیاز جمع‌آوری کنند، از طریق گفتگوی پداگوژی‌ها است. با انجام گفتگوهای بین‌کثرت‌گرایی غنی پداگوژی‌های پسا‌صوری، می‌توانیم شروع به طراحی تصویری از تابلوی غنی تغییرات تکاملی کنیم که پیش‌تر رخ داده‌اند. مسئولیت تکامل جامعه و تعالی ساختارهای اجتماعی موجود، عمدتاً به عهده‌ی آموزش عالی است. این کارکرد خلاقانه‌ی آموزش عالی در کلیه‌ی فعالیت‌های آن است که به خودکارآمدی و دوام‌پذیری جامعه آن متکی است و فرهنگ‌ها را نقد کرده و بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها را به چالش می‌کشد (گرونسپان و همکاران، ۲۰۱۸).

با وجود این، در حال حاضر، خودآگاهی و تخیل آموزشی ما اغلب اوقات تحت محدودیت‌های ایدئولوژی‌های سیاسی عمل می‌کنند که بجای تحول اجتماعی بیشتر به بازآفرینی فرهنگ و ساختارهای اجتماعی موجود می‌پردازند. همه‌ی این پداگوژی‌ها با سبک‌های جدید تفکر مرتبط هستند که به شیوه‌ای تکاملی تحت تأثیر آموزش دانشگاهی قرار دارند. از این رو پنج اقدامی که خرد پداگوژیکی را برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان تقویت می‌کند:

(۱) تأمل در عمل

(۲) توسعه‌ی آگاهی فراشناختی و زبانی

(۳) الگوسازی از آنچه آنها امیدوارند و انتظار دارند دانشجویان از نظر عمل انضباطی انجام دهند و توضیح

این امیدها و انتظارات برای دانشجویان

(۴) تمرین شفافیت آموزشی - اشتراک اهداف آموزشی و

منطق آنها با دانشجویان خود

(۵) دعوت از دانشجویان برای تأمل و گفتگو در مورد تجارب

یادگیری، نیازها و اهدافشان.

پیچیدگی به عنوان پیوندی بین وحدت و کثرت نقش مهمی در شکل‌گیری خرد در نظام آموزش عالی ایفا می‌کند. خرد پداگوژیکی مبتنی بر فضیلت در آموزش عالی و تربیت استاد می‌باشد. از این رو خرد پداگوژیکی شامل خردمندی الگوپذیری است که دانشجویان را تشویق می‌کند درباره‌ی ارزش‌های خود بیندیشند، انتقاد و ادغام کنند، به تفکر گفتاری و دیالکتیکی بپردازند و از منافع شخصی خودداری نمایند.

انبوهی از پداگوژی‌های تکاملی جدید طی سالهای اخیر ظهور یافته‌اند. تحول آموزش عالی غالباً به‌واسطه‌ی دیدگاه فلسفی، ایدئولوژی یا الگوواره مورد تأیید آن محدود می‌شود. در مقابل، اصطلاحات پسا‌صوری و تکاملی آموزش عالی را به‌طور آگاهانه‌تری با تکامل خودآگاهی مرتبط می‌کنند که بدون آن ما نمی‌توانیم راهی را برای رویارویی و مواجهه با آینده‌های پیچیده کشف کنیم. گیدلی (۲۰۲۱) بالغ‌بر دوازده رویکرد پداگوژیکی را شناسایی نمود که تأثیر ویژگی‌های استدلال پسا‌صوری را به‌طور صریح یا ضمنی نشان می‌دهند. این رویکردها عبارت‌اند از: پیچیدگی در آموزش عالی، پداگوژی‌های انتقادی و پسااستعماری، آموزش زیست‌محیطی / بوم‌شناختی، آموزش آینده‌پژوهی، آموزش کل‌نگر، تخیل در آموزش عالی، آموزش تلفیقی، آموزش سیاره‌ای/جهانی، آموزش پسا‌صوری در آموزش عالی، معنویت در آموزش عالی، آموزش تحول‌آفرین و خرد و معرفت در آموزش عالی. چنانچه اصطلاح پسا‌صوری به‌طور گسترده‌تری تفسیر شود تا تأثیر طیف وسیعی از ویژگی‌های پسا‌صوری از قبیل پیچیدگی، خلاقیت، تخیل، یکپارچگی، معنویت و خردورزی را در برگیرد، آنگاه تصویر خرد پداگوژیکی آشکارتر می‌شود. بیشتر رویکردهای پداگوژیکی درصدد گسترش آموزش عالی فراتر از الگوی ساده پردازش اطلاعات بر اساس دیدگاه ماشین‌انگاران انسان به رویکردی کل‌نگرتر، خلاقانه‌تر، چندوجهی و مشارکتی هستند. تدوین هر نظریه

### روش تحقیق

این پژوهش از نظر جهت گیری های پژوهش، بنیادی؛ از نظر رویکرد پژوهش کیفی؛ از دیدگاه فلسفه ی پژوهش تفسیری است؛ استراتژی پژوهش، نظریه پردازی داده بنیاد به صورت سیستماتیک و از نظر رویکرد پژوهش، از نوع استقرایی است؛ هدف پژوهش، بنیادی کاربردی و از لحاظ نتیجه، اکتشافی؛ افق زمانی پژوهش، تک مقطعی و شیوه ی گردآوری داده ها، مصاحبه ی نیمه ساختاریافته است. علت استفاده محقق از یک روش خاص، به عوامل مختلفی بر می گردد که مهم ترین آنها سؤال تحقیق می باشد. هرگاه محقق در نظر داشته باشد تجارب و دیدگاه های افراد را به منظور صورت بندی یک نظریه مورد کاوش قرار دهد، نظریه ی داده بنیاد شیوه ی مناسبی خواهد بود (محمدپور، ۱۳۹۲). محقق می کوشد معنا یا ماهیت تجربه ی افراد درگیر با مسائل خاص را دریابد، با ورود به صحنه زندگی واقعی و تامل بر آنچه صورت گرفته است، بهتر موفق می شود. از سویی، روش های کیفی را می توان برای کشف عرصه هایی از زندگی که از آنها چیزی نمی دانیم یا بسیار می دانیم اما می خواهیم فهم تازه ای از آنها به دست بیاوریم به کار برده می شود. هدف اصلی تحقیق، تعیین کننده نوع روشی است که محقق می تواند بر اساس آن به شکل مطلوب تری به پاسخ سوال دست یابد. محقق می قصد بررسی تجارب افراد به منظور خلق نظریه را دارد، می تواند از روش داده بنیاد به خوبی بهره مند شود (کرسول، ۲۰۱۲). جامعه ی آماری این تحقیق سیاستگذاران و مدیران

فعلی و اسبق آموزش عالی کشور می باشند. جهت تشخیص و شناسایی اعضای نمونه دارابودن حداقل سه ویژگی از چهار ویژگی ذیل مدنظر قرار گرفت. ۱. مدیران دانشگاهی دارای حداقل ده سال سابقه ی اجرایی و تجربه ی مفید دانشگاهی در زمینه ی رهبری و مدیریت آموزش عالی (رییس دانشگاه، عضو هیات علمی و مدیر گروه). ۲. دارابودن مطالعات و پژوهش های حرفه ای در زمینه ی پداگوژی، فلسفه ی آموزش عالی و آینده پژوهی آکادمیک ۳. دارا بودن مرتبه ی استاد تمام و دانشیاری و دارای حداقل ده سال سابقه ی تدریس در دانشگاه ۴. دارای تجارب زیسته در زمینه ی مطالعات خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی. با توجه به راهبرد پژوهش که نظریه پردازی داده بنیاد می باشد، نمونه گیری به شیوه نظری و با بهره گیری از تکنیک های هدفمند و گلوله برفی انجام شده است. حجم نمونه در این روش، در حین کار مشخص شد و نمونه گیری آن قدر ادامه یافت که داده ها به سر حد اشباع رسید. در این پژوهش با ۱۶ نفر مصاحبه انجام شده است. از مصاحبه سیزدهم به بعد مفهوم جدیدی به دست نیامد. با این وجود برای حصول اشباع نظری سه مصاحبه ی دیگر نیز انجام شد. به هر یک از مصاحبه ها بازه ی زمان بندی چهل و پنج دقیقه تا نود و پنج دقیقه اختصاص گردید. مصاحبه های به عمل آمده که از جنبه ی ماهیت، اکتشافی تلقی می شوند با مسئله ی اصلی تحقیق آغاز می شدند و در محور آن استمرار می یافتند.

جدول ۱: روش شناسی پژوهش

فلسفه	نوع پژوهش		استراتژی پژوهش	روش پژوهش گردآوری داده ها	جامعه آماری	روش نمونه گیری	حجم نمونه
	هدف	نتیجه					
تفسیری نمادین	بنیادی	اکتشافی	نظریه ی داده بنیاد اشتراوس و کوربین	مصاحبه ی نیمه ساختارمند	مدیران اسبق و فعلی آموزش عالی کشور دارای تجارب زیسته ی مرتبط	هدفمند نظری تا رسیدن به نقطه ی اشباع	۱۶ نفر
	کاربردی	کیفی					

۲	مرد	۱۹	پداگوژی	مدیر گروه	۴۵
۳	زن	۲۱	فلسفه ی آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۶۵
۴	زن	۲۰	پداگوژی	رئیس دانشگاه	۷۵
۵	مرد	۴۰	فلسفه ی آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۹۵
۶	زن	۳۷	فلسفه ی آموزش عالی	مدیر گروه	۸۰
۷	زن	۱۹	مدیریت آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۵۵
۸	مرد	۱۷	مدیریت آموزشی	عضو هیات علمی دانشگاه	۶۰
۹	مرد	۳۲	مدیریت آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۷۰
۱۰	مرد	۱۵	مدیریت آموزش عالی	رئیس دانشگاه	۷۵
۱۱	مرد	۱۲	مدیریت آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۶۵
۱۲	زن	۱۴	فلسفه ی آموزش عالی	مدیر گروه	۴۰
۱۳	مرد	۱۵	برنامه ریزی درسی	رئیس دانشگاه	۴۵
۱۴	زن	۱۷	مدیریت آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۵۰
۱۵	زن	۲۴	آینده پژوهی آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۶۵
۱۶	مرد	۲۶	آینده پژوهی آموزش عالی	عضو هیات علمی دانشگاه	۸۰

یافته های این پژوهش از طریق نرم افزار Maxqda تحلیل شده است. براساس نتایج این مصاحبه، پرسش های اولیه ای که در راستای سوال اصلی تحقیق فهرست شده بودند، مورد بازنگری قرار گرفتند. بنابراین، محورها و سوال های مصاحبه به فراخور پاسخ های ارائه شده و براساس بازخوردهایی که از مصاحبه های اولیه به دست آمد، مورد بازبینی قرار گرفتند و به تدریج اصلاح شد. همچنین فن گلوله برفی برای دسترسی به دیگر نمونه ها مدنظر پژوهشگر قرار گرفت. طی فرآیند پژوهش از روند کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد؛ زیرا این روند سبب می شود دلایل و شواهد اعتبار تحقیق روشن شود(محمدپور، ۱۳۹۲). با توجه به جدید بودن مفهوم خرد پداگوژیکی در ادبیات نظام آموزش عالی ایران، این نیاز ادراک گردید تا با استفاده از مصاحبه های عمیق کاوش محور بر دیدگاه ها و تخصص های مدیران آموزش عالی، تمرکز بیشتری صورت گیرد و با استناد به نظرات خردمندان ی خبرگان، مدل مفهومی پژوهش از غنا و کیفیت مطلوب تری برخوردار گردد. با در نظر گرفتن تفاوت های ملموس و بارز در عوامل محیطی ساختار آموزش عالی بین المللی، نسبت به محیط داخلی، پژوهشگر از تعمیم و تسری عینی یافته ها و دستاوردهای مطالعاتی سایر پژوهشگران اجتناب نموده و با اتکا بر انجام مصاحبه های عمیق مواجهه ای - مفهومی در جست و جوی دستیابی به پاسخ های ناب و اثر گذار جهت تدوین یک مدل جامع کارآمد، مبادرت ورزیده است. در نتیجه با توجه به تناسب نظریه داده بنیاد با موقعیت پژوهش، این اسلوب و سیاق انتخاب گردید و ابزار اندازه گیری نیز پروتکل مصاحبه تعیین شد.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در فرآیند مصاحبه

مدت مصاحبه	سمت	تخصص	تجربه ی زیسته	جنسیت	ردیف
۶۰	رئیس دانشگاه	مدیریت آموزش عالی	۱۶	مرد	۱

### یافته های تحقیق

فرآیند تحلیل اطلاعات در نظریه پردازی داده بنیاد مبتنی بر سه مرحله کد گذاری باز(خلق مفاهیم و مقوله ها)، کدگذاری محوری (شناسایی مقوله محوری، شر ایط علی؛ شرایط مداخله گر، بسترها، راهبردها و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) است که در ادامه نحوه شکل گیری مقوله های حاصل از مفاهیم شرح داده می شود. کدگذاری باز: ابتدا تمام نکات کلیدی مصاحبه ها استخراج و کدگذاری شدند و پس از تحلیل، کدهای مشابه به مفاهیم خاصی، اختصاص داده شد. در مرحله کدگذاری باز، پژوهشگر با مرور مجموعه داده های گردآوری شده، مفاهیم آن ها را شناسایی و تبیین نمود و در این مرحله

محوری صورت گرفته در دسته بندی های دقیق تر و کلی تری قرار گرفت که در جداول زیر، نتایج این دسته بندی ها ذکر شده است.

شرایط علی: مفاهیمی (شرایطی) هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهند و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می انجامند. شرایط علی در داده ها اغلب با واژگانی نظیر وقتی، در حالی که، از آن جا که، چون به سبب و به علت بیان می شوند. حتی زمانی که چنین نشانه هایی وجود ندارد پژوهشگر می تواند با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظر هستند شرایط علی را بیابد. براساس تجزیه و تحلیل انجام شده بر روی مصاحبه ها و کدهای به دست آمده مقوله های فرعی شرایط علی و مفاهیم مرتبط با آن در جدول ۳ لحاظ شده است.

بدون هیچ گونه محدودیتی به نامگذاری پرداخته شد. حدود ۴۳۰ نقل قول از مصاحبه ها استخراج شد که مبتنی بر همین روش، برای کلیه ی مقوله ها و مولفه ها، کدگذاری صورت گرفته شده است.

کدگذاری محوری: در فرآیند کدگذاری محوری، مقوله های بدست آمده از فرآیند کدگذاری باز در شش دسته شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط بستر، راهبردها و پیامدها شکل گرفته است. بنابراین می توان مقوله محوری را در مرکز قرار داد و سایر مقوله ها را به آن مرتبط نمود. برچسب های انتخاب شده برای مقوله محوری نیز انتزاعی بوده و در عین حال از جامعیت برخوردار است.

کدگذاری انتخابی: در کدگذاری انتخابی، پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله ی ذیل به استحکام بیشتر فرآیند کدگذاری پرداخت و کدگذاری های

جدول ۳. مقوله و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

مقوله اصلی	مفهوم	کدهای نهایی	فراوانی کد	
شرایط علی	تحول دانشگاهی	اصلاحات روبه ای	۸	
		پروژه های نیازسنجی و استاندارد سازی مداوم	۱۰	
		تطبیق برنامه ها با روند جهانی شدن	۹	
		توجه به رسالت و مأموریت ها	۱۱	
		اجتناب از شتاب زدگی در طراحی برنامه ها	۱۲	
	جو سازنده ی دانشگاهی	ذهنیت مثبت و پاسخگو	۱۳	
		ارتباطات دانشگاهی مطلوب	۸	
		تنوع فرهنگی در دانشگاه	۹	
		اقدامات مشارکتی دانشگاهی	۹	
	یادگیری هدفمند در آموزش عالی	برنامه درسی نیاز محور	۱۲	
		به کارگیری شیوه های نوین و اثربخش یاددهی و یادگیری	۱۲	
		روشهای یادگیری تعاملی	۱۱	
	پویایی آموزش عالی	دانشگاه به مثابه خرد منفصل جامعه	دانشگاه به مثابه خرد منفصل جامعه	۱۰
			انعطاف پذیری استراتژیک	۹
کاربست خلاقیت و آینده نگری			۱۴	
سازگاری با تغییرات محیطی			۱۲	
رویکرد های مشارکتی و دموکراتیک			۹	
یوایی آموزش عالی		ادهوکرایی شبکه ای	۱۰	
		تشریک مساعی	۱۱	
		ارزش محوری	۱۰	
		جذب	۱۱	
		استفاده از راهبردهای فراشناختی (راهبردهای برنامه ریزی، راهبردهای نظارت و ارزشیابی و راهبردهای نظم دهی)	۱۰	
اشتیاق تحصیلی	نگرش مثبت به یادگیری	۹		
	نیرومندی	۸		
	ازخود گذشتگی	۱۰		



۱۴	مسئولیت پذیری	خود راهبری	
۱۲	جستجوگری		
۱۰	یادگیری مستقل و تکنیک های تجربی یادگیری		
۱۲	رغبت		
۱۴	کنترل و احاطه		

شرایط زمینه ای: شرایط عمومی و گسترده ای هستند که بر توسعه، رونق و اهمیت پدیده تاثیر گذارند. شرایط زمینه ای در این تحقیق به همراه مفاهیم و کدها شامل مواردی است که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مقوله و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه ای

مقوله اصلی	مفهوم	کدهای نهایی	فراوانی کد
شرایط زمینه ای	ساختار نظام آموزش عالی	ساختارها و فرآیند های متمایز	۸
		چشم انداز و مأموریت دانشگاهی	۱۲
		تدوین برنامه های راهبردی (استراتژیک) دانشگاهی	۱۳
		ارایه ی سیاست ها و خط مشی های ابلاغی	۱۲
	فرهنگ دانشگاهی	باور ها و ارزش های غالب	۱۱
		مشارکت و کار تیمی	۱۵
		فرهنگ یادگیری	۱۴
		خرده فرهنگ های دانشجویان	۱۲
	دانشگاه سازگار شونده	اخلاق حرفه ای	۱۲
		رهبری متعهد	۸
		فرهنگ کارآفرینانه دانشگاهی	۱۲
		اداره ی اشتراکی	۱۱
رهبری هوشمند دانشگاهی	مدیریت حرفه ای دانشگاهی	۱۴	
	مدیریت بر مبنای هدف (عقلانی)	۱۰	
	مدیریت بر مبنای هوش عاطفی (هیجانی)	۱۲	
	توسعه ی روحیه ی کار تیمی	۱۱	
دانش پداگوژیکی	مدیریت بر مبنای معنا (معنوی)	۱۴	
	دانش مدیریت کلاس	۱۳	
	دانش روانشناختی	۱۲	
	دانش در حیطه ی راهبردهای تدریس	۱۰	
	دانش فناوریانه	۱۱	
	دانش ارزشیابی بهره ورانه	۱۲	
		دانش در زمینه ی طراحی برنامه ی درسی	۱۴

شرایط مداخله گر: شرایط مداخله گر کلی و وسیع است که بر چگونگی کنش متقابل اثر می گذارند. در پژوهش حاضر و براساس تحلیل محتوای مصاحبه ها مقوله اهداف سازمانی مبهم و فرآیند محوری برای شرایط مداخله گر به دست آمده است که کدهای مربوط به آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵ مفاهیم و مقوله های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله گر

مقوله اصلی	مفهوم	کدهای نهایی	فراوانی کد
	ویژگی های شخصیتی	نگرش	۱۲
		درون گرایی / بیرون گرایی	۱۱

۱۱	باورها		شرایط مداخله گر
۱۰	تضاد در تصمیمات	اهداف متناقض	
۹	تعارضات گروهی		
۸	عدم اجماع در خروجی ها		
۱۲	پیچیدگی محیطی	پیچیدگی شناختی دانشگاهی	
۱۴	پیچیدگی جمعیت شناختی		
۱۵	پیچیدگی فردی		
۱۰	ترس از تغییر	اینرسی دانشگاهی	
۱۲	مقاومت در برابر تغییر		
۱۳	فقدان فضای رقابتی دانشگاهی		
۱۰	فقدان محرک ها و انگیزاننده ها جهت یادگیری نوآورانه		
۱۴	استرس و اضطراب تغییر		
۹	فقدان ادراک مناسب از تغییرات محیطی دانشگاهی		
۱۳	عادت به حل مسایل جدید با استناد به رویکردها و رویه های سنتی دانشگاهی		
۱۲	اعتقاد به سودمندی اشتراک دانش		
۱۰	تخصیص زمان کافی جهت اشتراک گذاری دانش		
۱۱	توصیه و حمایت جهت اشتراک دانش		
۱۳	وجود اجتماعات کاری جهت اشتراک دانش		
۱۴	شایستگی فرهنگی	شایستگی های مورد نیاز	
۱۲	شایستگی علمی		
۱۰	شایستگی ارتباطی		
۱۲	شایستگی ادراکی		
۱۱	شایستگی آموزشی		

دادن به پدیده مورد مطالعه است. کدهای باز و مقوله های مرتبط در جدول ۶ نشان داده شده است.

راهبردها: راهبردهای موردنظر در نظریه داده بنیاد به ارائه راه حل هایی برای نیل به پدیده مورد اشاره دارد که هدف آن اداره کردن، برخورد، به انجام رساندن و حساسیت نشان

جدول ۶ مقوله و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با راهبردها

فرآوانی کد	کدهای نهایی	مفهوم	مقوله اصلی
۱۱	پیاده سازی ساز و کار و قوانین بازی در آموزش عالی	بازی آفرینی (گیمیفیکیشن) در آموزش عالی	راهبردها
۱۲	اجرای رابط کاربری بازی وار در آموزش عالی		
۱۱	تفکرات بازی گونه در آموزش عالی		
۱۲	راهکار اشتراکی	یادگیری مساله محور	
۱۱	هدایت گری		
۱۰	خودراهبری		
۹	استدلال جمعی		
۹	گفتمان	تفکر انتقادی در آموزش عالی	
۱۰	تجزیه و تحلیل وقایع (تحلیلگری)		
۱۲	حقیقت جویی		
۱۴	روحیه ی انتقادی		
۱۳	بلوغ شناختی		
۱۰	گشودگی ذهن		
۱۲	سوالات چالش برانگیز		
۱۵	ایده زایی	خلاقیت در آموزش عالی	
۱۴	مساله یابی		
۹	تشکیل اتاق های فکر دانشگاهی		

۸	ایجاد نظام پیشنهادات آکادمیک	
۹	اتخاذ دیدگاه‌های نوجویانه و چندانگانه	
۱۱	آموزش آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری	زندگی پداگوژیکی
۹	آموزش بوم‌شناختی، زیست‌محیطی و زیست‌پایینی	
۸	تفکر بویا و روح‌افزا	
۹	آموزش خیال‌پردازی	
۱۱	آموزش پسانوگرا و پساساختارگرا	ابراز عقیده ی پداگوژیکی (اوای پداگوژی)
۱۰	آموزش زیبایی‌شناختی، هنری و شعری	
۱۲	کثرت‌گرایی	
۱۰	بازتاب‌پندگی (تفکر خودارجاعی)	
۹	خود تأملی	منتورینگ در آموزش عالی
۱۱	حفظ و نگهداشت دانشجویان	
۱۲	حفظ و نگهداشت استادان	
۱۱	حمایت و پشتیبانی آموزشی	
۱۲	مدیریت استعداد آموزش عالی	
۱۰	نظام جانشین پروری دانشگاهی	
۹	تقویت مهارت‌ها	تدریس عاشقانه (عشق پداگوژیکی)
۱۰	آموزش معنوی، تحول‌آفرین و ژرف‌اندیش	
۹	آموزش اجتماعی و عاطفی	
۸	یکپارچه‌سازی شعور و احساس	
۹	استدلال کنکاشی	یادگیری معکوس (وارونه) در آموزش عالی
۱۰	اعتقاد قلبی استاد به عشق	
۱۱	وارونه سازی فرآیند های آموزشی	
۱۲	فعالیت های کلاسی تعاملی	
۱۲	یادگیری فراگیرمحور	
۱۰	قابلیت استفاده از پادکست ها و وودکست های آموزشی در فرآیند تدریس دانشگاهی	
۱۲	بهبود مستمر	مدیریت ناب دانشگاهی
۹	مهندسی مجدد فرآیندها	
۱۲	خلق ارزش و ارزش آفرینی	
۱۰	توانمندسازی سرمایه های انسانی آموزش عالی	
۱۰	شایسته‌مداری	چابک سازی دانشگاهی (دانشگاه چابک)
۱۴	انعطاف پذیری ساختاری دانشگاهی	
۱۳	سرعت انطباق در مواجهه با تغییرات محیطی	
۱۲	پاسخگویی	مدیریت ارتباط با دانشجو SRM
۱۰	بهره مندی از تیم های چندکارکردی دانشگاهی	
۹	ادراک صحیح نیازهای دانشجویان	
۱۲	ایجاد محیط و جو دانشگاهی مطلوب	
۱۲	ارزیابی رضایت دانشجویان به صورت دوره ای در بازه های زمانی مشخص	رفتار شهروندی تدریس CBT
۱۰	ایجاد و توسعه ی فناوری های نوآورانه ی مرتبط با فعالیتهای دانشجویان	
۹	بکارگیری از کارکنان متخصص دانشگاهی	
۱۱	رفتار مشارکتی استادان	
۱۰	هدایت کاربردی استادان	آزادی علمی
۹	شفقت و عطوفت	
۱۰	آزادی در فعالیت های آموزشی	
۱۰	آزادی پژوهشی	
۹	رعایت حقوق دانشجویان و استادان	

۱۲	حفظ استقلال دانشگاه		
۱۳	ایجاد نقاط تماس متنوع با ذینفعان داخلی و خارجی دانشگاه	نوآوری باز در آموزش عالی	
۱۴	پیشگامی و به روزبودن در نوآوری		
۱۲	استفاده از روش منبع باز در فعالیت های دانشگاهی		
۱۲	امکان ایجاد بستر بحث آزاد کلاسی جهت تبادل نوآوری		
۱۱	بهره گیری از روش ادغام و اکتساب در فعالیتهای دانشگاهی		
۱۲	تسهیم چالش ها در قالب نشست متخصصان		
۱۰	مساعدت و کمک	کوچینگ در آموزش عالی	
۱۰	تسهیل فرآیند یادگیری		
۹	ارتباطات غیررسمی دانشگاهی جهت ارتقای مهارتهای دانشجویان		
۸	به اشتراک گذاری تجربیات	داستان سرایی(استوری تلینگ) در آموزش عالی	
۹	برقراری ارتباط احساسی		
۱۲	داستان های الهام بخش و انگیزه دهنده		
۱۱	آموزش روایت گونه ی مفاهیم انتراهی و پیچیده ی درسی		
۱۰	اشاره و استفاده از وقایع داستانی		

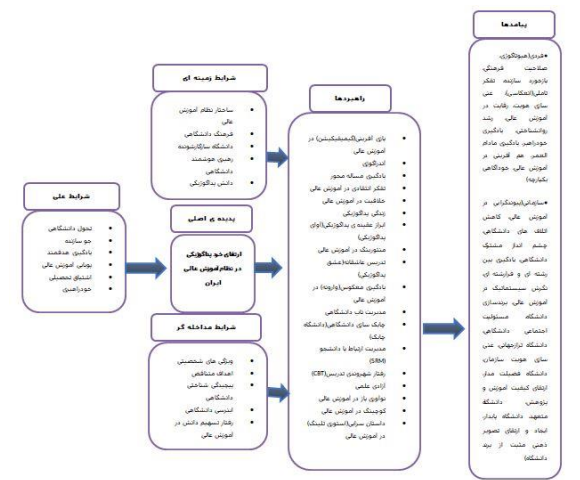
پیامدها: پیامدها نتایج هستند که از راهبردها و کنش های مربوط به مقوله محوری حاصل می شوند. مفاهیم و مقوله های مرتبط با پیامدها در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷ مفاهیم و مقوله های شناسایی شده مرتبط با پیامدها

فرآوانی کد	کدهای نهایی	مفهوم	مقوله اصلی
۸	هیوتاکوژی	پیامدهای فردی	
۹	کسب شایستگی/صلاحیت فرهنگی		
۱۰	بازخورد سازنده		
۱۰	تفکر تاملی(انعکاسی) در آموزش عالی		
۱۲	غنی سازی هویت استاد و دانشجو		
۱۱	رقابت در آموزش عالی		
۱۲	رشد روانشناختی		
۱۱	یادگیری عمیق		
۱۲	یادگیری مادام العمر		
۱۴	هم آفرینی در آموزش عالی		
۱۰	سینرگوژی		
۹	خودآگاهی یکپارچه		
۸	پیوند گرایی در آموزش عالی		
۱۳	کاهش اتلاف های دانشگاهی		
۱۲	چشم انداز مشترک دانشگاهی		
۱۰	یادگیری بین رشته ای و فرارشته ای		
۱۲	نگرش سیستماتیک در آموزش عالی		
۱۱	برندسازی دانشگاه		
۱۲	مسئولیت اجتماعی دانشگاهی USR		
۱۲	دانشگاه تراز جهانی		
۱۳	غنی سازی هویت سازمان		
۱۱	دانشگاه فصیلت مدار		
۱۵	ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش		
۱۴	دانشگاه متعهد		
۱۴	دانشگاه پایدار		
۱۵	ایجاد و ارتقای تصویر ذهنی مثبت از برند دانشگاه		

## خلق نظریه

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه پردازی داده بنیاد است که محقق براساس نتایج کدگذاری باز و محوری به ارائه نظریه می پردازد. در مدل پارادایمی حاصل، شرایط علی در واقع مهیا کننده شرایط برای ارتقای خرد پداگوژیکی می باشند. این عوامل ممکن است دارای شدت و ضعف هایی از یک برهه زمانی به دوره زمانی دیگر باشند ولی در زمان جمع آوری اطلاعات و مصاحبه ها نقش پررنگی داشتند. کدگذاری انتخابی، کدگذاری های قبلی را مدنظر قرار داده و مقوله اصلی را انتخاب می کند و آن را به شکل هدفمند به سایر مقوله ها ارتباط داده، ارتباطات را اعتبار می بخشد و مقوله هایی که نیاز به تصفیه و توسعه بیشتری دارند را توسعه می دهد. کدگذاری انتخابی براساس الگوی ارتباط شناسایی شده بین مقوله ها و زیرمقوله ها در کدگذاری باز و محوری، فعالیت را شروع می نماید. در نهایت ۶ مقوله، ۳۸ مفهوم و ۱۸۰ کد از فرآیند کدگذاری باز شناسایی و استخراج شدند و نمونه هایی از کدهای مربوط به هر بعد در جداول بیان شدند. جهت نمایش بهتر و شفاف تر مدل به صورت زیر نیز ترسیم شده است. مدلی که با شرایط علی شروع می شود و به پیامدهای ممکن و مورد انتظار ختم می گردد. پدیده ی اصلی و استراتژی های پاسخگویی به آن حائز اهمیت است که در یک بستر و شرایط مداخله فعالیت می کند.



شکل ۱. مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی ایران

## بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از رویکرد کیفی، مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی تدوین گردد. بر این اساس مدل نهایی پژوهش، مشتمل بر ۶ مقوله، ۳۸ مفهوم و ۱۷۰ کد است که از طریق آن به خوبی می توان ارتقای خرد پداگوژیکی در مراکز و موسسات آموزش عالی را تفسیر نمود. در مراحل مختلف پژوهش حاضر به این حقیقت اشاره شد که هم آفرینی، مشارکت و دستیابی به رویکرد های فرا اثبات گرایانه دستاوردی ارزشمند در آموزش عالی می باشد و به این ترتیب فرآیند کشف، نوآوری و خلاقیت تسهیل شده و تعاملی دو سویه صورت می گیرد. از سوی دیگر گام های ارتقای خرد در بستر آموزش عالی وابسته به ادراک پیچیدگی، خلاقیت و شهود می باشد. پذیرش تفکر پیچیده و خلاق برای نشان دادن دانش از چند منظر در پرورش خرد آموزش عالی موثر است که زمینه ارتقای خرد پداگوژیکی را فراهم می آورد. با این رویکرد، هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی کشور بوده است. برای این منظور از رویکرد استراوس و کوربین در نظریه ی داده بنیاد استفاده شد و مدل نهایی حاصل ارائه گردید. ذکر این نکته ضروری

از اقدامات لازم برای بهبود شرایط زمینه ای استفاده گردد. با توجه به نتایج، لازم است تدوین ساختارها و فرآیندهای متمایز با رویکرد راهبردی به همراه توجه به خرده فرهنگ های دانشجویان و استادان، تمرکز بر مشارکت و کار تیمی در محیط دانشگاه مدنظر سیاستگذاران و مدیران آموزش عالی قرار گیرد. همچنین بکارگیری شیوه های نوآورانه ی رهبری متعهد و هوشمند با بهره گیری از فرهنگ کارآفرینانه ی دانشگاهی موجب ارتقای خرد‌پداگوژیکی در دانشگاه خواهد شد. شناسایی و توجه به فرهنگ دانشگاهی برای رشد دانش آفرینی و توسعه ی علمی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. استقلال دانشگاهی و آزادی علمی، مشارکت اعضای هیات علمی در فرآیند جذب و انتصاب و مدیریت‌های دانشگاه، گسترش فضای رقابت فکری و علمی به جای سایر رقابت‌های مخرب همچون رقابت‌های سیاسی، پیشگام بودن افراد برای نوآوری و نوپژوهشی، کاوش آزادانه علمی، تحمل ابهام به معنای بردباری در برابر وضعیت‌های نامشخص، باز بودن فرهنگ دانشگاه نسبت به پذیرش وضعیت تضادآمیز و وجود الگوی ارتباط خاص در دانشگاهها از جمله مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی محسوب می‌شوند که در صورت تقویت این مؤلفه‌ها در جامعه ی علمی، شاهد کارآمد شدن دانشگاه خواهیم بود. همچنین رهبری هوشمند با تأکید بر مدیریت هدف، هوش عاطفی و هیجانی؛ معنا و هدف مندی و پیشبرد روحیه ی کار تیمی و پرورش حس جستجوگری می‌تواند بر عملکرد استادان و دانشجویان تاثیرگذار باشد و بر توسعه روزافزون و همه جانبه ی نظام آموزش عالی ایران در زمینه ی ارتقای خرد‌پداگوژیکی بیفزاید.

با توجه به نتایج پژوهش در هنگام انتخاب استراتژی ها و اقدامات به شرایط مداخله گر از جمله ویژگی های شخصیتی، اهداف متناقض، پیچیدگی شناختی، گرایش به ثبات، رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی و شایستگی های مورد نیاز توجه نمایند تا در انتخاب راهبردهای خود دچار اشتباه نشوند. مفهوم پیچیدگی شناختی از نظر معنایی همسو با مطالعات گیدلی

است با وجود بهره مندی از مبانی خرد‌پداگوژیکی در نظام آموزش عالی کشور، مطالعات نظری و دانشی این حوزه محدود و ناکافی است. بر همین اساس پژوهشگران در راستای ارتقای جنبه ها و ابعاد نظری و علمی حیطه های عملکردی و کارکردی خرد‌پداگوژیکی در نظام آموزش عالی فرآیند پژوهش را پایه ریزی نمودند.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که تحول دانشگاهی، جو سازنده، یادگیری هدفمند، پویایی آموزش عالی، اشتیاق تحصیلی و خودراهبری از عوامل موثر(علی) بر ارتقای خرد‌پداگوژیکی در نظام آموزش عالی است. مفاهیم جو سازنده و خودراهبری با دستاوردهای مطالعات براشر (۲۰۲۱) و گیدلی (۲۰۲۱) هم راستا هستند. براساس مدل طراحی شده در این پژوهش به سیاست گذاران، مدیران و استادان نظام آموزش عالی پیشنهاد می گردد برای دستیابی و ارتقای خرد‌پداگوژیکی ابتدا بایستی شرایط علی را مد نظر قرار دهند و این شرایط علی به صورت شایسته و قابل ملاحظه ای درک شوند. تطبیق برنامه های راهبردی دانشگاهها با روند بین المللی شدن، توجه به ترسیم چشم اندازها و رسالت دانشگاه به همراه اصلاحات رویه ای و ساختاری موجب رهبری تحول استراتژیک در دانشگاهها خواهد شد. ایجاد ذهنیت پاسخگویی به ذینفعان آموزش عالی به همراه بکارگیری روشهای نوین تعاملی در فرآیند یادگیری موجب جذب، رغبت، اشتیاق تحصیلی و پویایی نظام آموزش عالی می شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ساختار نظام آموزش عالی، فرهنگ دانشگاهی، دانشگاه سازگارشونده، رهبری هوشمند دانشگاهی و دانش‌پداگوژیکی از عوامل محیطی(زمینه ای) اثرگذار بر پیاده سازی خرد‌پداگوژیکی در آموزش عالی می باشد. از میان مفاهیم مزبور فرهنگ دانشگاهی همسو با مطالعه ی گرونسپان (۲۰۱۸) می باشد. همچنین مفهوم ساختار نظام آموزش عالی با دستاوردهای مطالعات براشر (۲۰۲۱) و گیدلی (۲۰۲۱) هم راستا هستند. پس از مطالعه ی شرایط علی، بایستی از بسترها و زمینه های موردنیاز برای ارتقای خرد‌پداگوژیکی غفلت نشود و

ارتباط با دانشجو از طریق ادراک صحیح نیازهای دانشجویان و بکارگیری سرمایه های انسانی متخصص و دارای تفکر آکادمیک به همراه استفاده از روشهای کوچینگ و منتورینگ می تواند نقش موثری در فرآیند ارتقای خرد پداگوژیکی نظام آموزش عالی ایفا نماید. استفاده از رویکرد درون به بیرون و بیرون به درون به عنوان رویکردهای اصلی نوآوری باز و هم آفرینی در دانشگاهها، اصل مشارکت ذینفعان داخلی و خارجی را در بهینه سازی و توسعه ی خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی اهمیت می بخشد.

پیامدهای ارتقای خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی طبق نتایج پژوهش به دو دسته ی پیامدهای فردی(هیوتاگوژی، صلاحیت فرهنگی، بازخورد سازنده، تفکر تاملی(انعکاسی)، غنی سازی هویت، رقابت در آموزش عالی، رشد روانشناختی، یادگیری خودراهبر، یادگیری مادام العمر، هم آفرینی در آموزش عالی، خودآگاهی یکپارچه) و پیامدهای سازمانی(پیوندگرایی در آموزش عالی، کاهش اتلاف های دانشگاهی، چشم انداز مشترک دانشگاهی، یادگیری بین رشته ای و فرارشته ای، نگرش سیستماتیک در آموزش عالی، برندسازی دانشگاه، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، دانشگاه تراز جهانی، غنی سازی هویت سازمان، دانشگاه فضیلت مدار، ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش، دانشگاه متعهد، دانشگاه پایدار، ایجاد و ارتقای تصویر ذهنی مثبت از برند دانشگاه) است. در این مقوله، مفاهیم یادگیری خودراهبر، یادگیری بین رشته ای و فرارشته ای و دانشگاه تراز جهانی، مشابه و منطبق بر یافته های مطالعات هیکینن و همکاران(۲۰۱۹) و مک لیندن(۲۰۲۱) می باشد. به عبارت دیگر سیاست گذاران و مسئولان آموزش عالی، برای دستیابی به خرد پداگوژیکی در آموزش عالی، بایستی مکانیزم ها و ابزارها را شناسایی و شرایط استفاده از آنها را تقویت کنند. در این صورت می توانند پیامدهای فردی و سازمانی ارتقای خرد پداگوژیکی را افزایش دهند.

(۲۰۱۶) می باشد. پیشنهاد می شود مدیران و سیاستگذاران، ضمن ایجاد زمینه ی لازم جهت به اشتراک گذاری دانش بین استادان و دانشجویان، موجب کاهش اینرسی دانشگاهی و افزایش بهره مندی از شایستگی های فرهنگی، علمی، ارتباطی، ادراکی و آموزشی در محیط دانشگاهها را فراهم آورند. به اشتراک گذاری دانش بین اعضای هیات علمی و در درون و در بین تیمها به دانشگاه اجازه می دهد تا از منابع، بر مبنای دانش بهره برداری نمایند و آنها را به سرمایه تبدیل کنند. در همین راستا، دانش اعضای هیات علمی را شکل خاصی از دانش بیان می کنند که می تواند تحت شرایط خاص به اشتراک گذاشته شود و موفقیت سازمان را تضمین نماید. به عبارت دیگر، این دانش حیاتی و مهم هنگامی به جریان می افتد که افراد تمایل به همکاری و به اشتراک گذاری دانش داشته باشند و علاوه بر آن تمهیدات و سازوکارهای مناسبی نیز به وسیله ی سازمان در این مورد فراهم شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که راهبردهایی از قبیل بازی آفرینی(گیمیفیکیشن) در آموزش عالی، آندراگوژی، یادگیری مساله محور، تفکر انتقادی در آموزش عالی، خلاقیت در آموزش عالی، زندگی پداگوژیکی، ابراز عقیده ی پداگوژیکی(آوای پداگوژیکی)، منتورینگ در آموزش عالی، تدریس عاشقانه(عشق پداگوژیکی)، یادگیری معکوس(وارونه) در آموزش عالی، مدیریت ناب دانشگاهی، چاپک سازی دانشگاهی(دانشگاه چاپک)، مدیریت ارتباط با دانشجو (SRM)، رفتار شهروندی تدریس(CBT)، آزادی علمی، نوآوری باز در آموزش عالی، کوچینگ در آموزش عالی و داستان سرایی(استوری تلینگ) در آموزش عالی است. پیشنهاد می شود کلاس های درسی دانشگاهی با بهره مندی از تکنیکهای بازی آفرینی و همچنین کلاس درس وارونه با تمرکز بر یادگیری ترکیبی-هیبریدی طراحی گردند. استفاده از تکنیکهای قصه گویی و روایت گری نیز می تواند تمرکز، توجه، احساسات، حواس و ذهن دانشجویان را درگیر نماید. غنی سازی روشهای مدیریت

## References

- Biesta, G. J. J. (2014). *The beautiful risk of education*. Boulder: Paradigm Publishers.
- Bracher, Mark. (2021). "Foundations of a Wisdom-Cultivating Pedagogy: Developing Systems Thinking across the University Disciplines" *Philosophies* 6, no. 3: 73.
- Clinton, Jones (2011). *Principal As Facilitators Of Professional Development With Teachers As Adult Learners*. Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy in Education In the graduate School of the University of Missouri.
- Cook-Sather, A. (2011). 16: Teaching and learning together. To Improve the Academy, 29(20210331).
- Corbin, J. and Staruss, A. (2007). *Basics of Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed.). Boston, MA: Pearson.
- Gidley, J. M. (2016). *Postformal education: A philosophy for complex futures*. Springer.
- Gidley J.M. (2021) *Postformal Psychology: The New "Normal" in Times of Exponential Change*. In: Sinnott J.D., Rabin J.S. (eds) *The Psychology of Political Behavior in a Time of Change*. Identity in a Changing World. Springer, Cham.
- Glück, J. (2017). Measuring wisdom: Existing approaches, continuing challenges, and new developments. *The Journals of Gerontology: Series B*, 73(8), 1393-1403. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbx140>
- Grunspan, D. Z., Kline, M. A., & Brownell, S. E. (2018). The lecture machine: A cultural evolutionary model of pedagogy in higher education. *CBE—Life Sciences Education*, 17(3), es6. <https://doi.org/10.1187/cbe.17-12-0287>
- Jääskelä, P., Häkkinen, P., & Rasku-Puttonen, H. (2017). Teacher beliefs regarding learning, pedagogy, and the use of technology in higher education. *Journal of Research on Technology in Education*, 49(3-4), 198-211. <https://doi.org/10.1080/15391523.2017.1343691>
- Keränen-Pantsu, R., & Heikkinen, H. (2019). Pedagogical purposes of narratives in worldview education: Teachers' conceptions. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 18(5), 58-72.
- Matthews, A., McLinden, M., & Greenway, C. (2021). Rising to the pedagogical challenges of the fourth Industrial Age in the University of the future: An integrated model of scholarship. *Higher Education Pedagogies*, 6(1), 1-21. <https://doi.org/10.1080/23752696.2020.1866440>
- Phelan, Anne & Sumsion, Jennifer (2008). *Critical Reading in Teacher Education*. SENSE PUBLIHERS
- Sternberg, R. J. (2001). Why schools should teach for wisdom: The balance theory of wisdom in educational settings. *Educational Psychologist*, 36(4), 227-245.
- Tynjälä, P., Kallio, E. K., Heikkinen, H. L. T. (2020). Professional Expertise, Integrative Thinking, Wisdom, and Phronēsis. In E. K. Kallio (Ed). *Development of Adult Thinking. Interdisciplinary Perspectives on Cognitive Development and Adult Learning*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315187464>
- Weststrate, N. M., Ferrari, M., Fournier, M. A., & McLean, K. C. (2018). "It was the best worst day of my life": Narrative content, structure, and process in wisdom-fostering life event memories. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*. Advance online publications.